

مدل مفهومی کشمکش‌های روانی - معنوی در ایران: مطالعه کیفی

محمد تقی تیبیک^۱، علی فتحی آشتیانی^۲، مسعود جان‌بزرگی^۳، سید کاظم رسول‌زاده طباطبایی^۴

چکیده

تعارضات و کشمکش‌های روانی - معنوی نقش مهمی در میزان سلامت جسمانی و روانی انسان‌ها دارند. از این رو، پژوهش حاضر به مطالعه پدیده کشمکش‌های روانی - معنوی، عوامل پدیدایی، و پیامدهای آن در ایران پرداخت. این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از نظریه وابسته به زمینه انجام شد. بدین منظور، چهارده مشارکت‌کننده به روش نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته به مدت پنج ماه مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و مقوله‌بندی و نهایتاً در قالب الگوی نظری صورت‌بندی شدند. نتایج حاصل از تحلیل کدگذاری مصاحبه‌ها به شناسایی «۲۸۰ کد»، «۱۶ مقوله»، «۳ درون‌مایه»، و «۱ الگوی نظری» منتهی شد. ۷ مقوله «روان‌شناختی»، «خانوادگی»، «موقعیت استرس‌زا»، «درونی‌سازی دینی»، «تصور از خدا»، «دلبستگی به خدا»، و «جهت‌گیری دینی پرسش‌گرا» ذیل درون‌مایه عوامل پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی در تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان شناسایی شد. سه مقوله «مشکلات روان‌شناختی»، «بی‌انگیزگی دینی»، و همچنین «رشد دینی» جزو درون‌مایه پیامدهای کشمکش‌های روانی - معنوی تشخیص داده شدند. توجه به پدیده کشمکش‌های روانی - معنوی، و عوامل پدیدآورنده آن، به خصوص در بافت فرهنگی کشور ایران، و همچنین ساخت مداخلات روان‌شناختی متناسب با این کشمکش‌ها ضرورت مضاعف دارد.

واژه‌های کلیدی: مدل مفهومی، کشمکش روانی - معنوی، رویکرد کیفی، نظریه وابسته به زمینه،

سلامت روانی.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم. ایران. (mtabik@gmail.com) نویسنده مسئول
۲. استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران. ایران.
۳. استاد گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
۴. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۱)

Conceptual Model of Psycho-Spiritual Struggles in Iran: Qualitative Study

Mohamad-Taghi Tabik¹

Ali Fathi-Ashtiani²

Masoud Janbozorgi³,

Seyed-Kazem Rasoolzade Tabatabaei⁴

Abstract

Psycho-spiritual struggles play an important role in the physical and mental health. The present study investigated the phenomenon of psycho-spiritual struggles, its factors, genetic factors and its consequences in Iran. The study was done based on qualitative approach, using Grounded Theory. In total, 14 participants were studied based on purposeful sampling method and in-depth semi-structured interviews for 5 months. The data were gathered, coded, categorized and figured in theoretical model framework. The results of analyzing the coded interviews led to the identification of "280 codes", "16 categories", "3 themes", and "1 theoretical model". Seven categories of "psychological", "familial", "stressful situations", "religious internalization", "God image", "attachment to God", and "quest religious orientation" were recognized as genetic factors of psycho-spiritual struggles, based on lived experiences of the participants. Also, three categories of "psychological problems", "religious motivation", and "religious growth" were identified as the consequences of psycho-spiritual struggles. Given the findings of this study, it is necessary to pay more attention to the phenomenon of psycho-spiritual struggles, its factors and consequences, especially in the cultural context of Iran, as well as to create psychological interventions appropriate to these struggles.

Key Words: conceptual model, psycho-spiritual struggle, qualitative method, grounded Theory, mental Health.

-
1. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Quran and Hadith. Qom, Iran. (Corresponding author; mtabik@gmail.com)
 2. Professor of Department of Psychology, School of Medicine, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran
 3. Professor of Department of Psychology, Research Institute of Hawzeh & University, Qom, Iran
 4. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

مقدمه

علاقه پژوهشگران در سه دهه اخیر، به مبحث تأثیر دین و معنویت بر سلامت جسمانی و روانی روزافزون شده است (پالوتزین^۱ و پارک^۲، ۲۰۱۳؛ کوئیگ^۳، ۲۰۱۳). این پژوهش‌ها در مجموع، رابطه مثبت میان دین‌ورزی و افزایش آسایش^۴ را تأیید می‌کنند. برای نمونه، دین و معنویت با سطوح بالای دلبستگی ایمن (گرانکوویست^۵ و کرکپاتریک^۶، ۲۰۱۳)، معنای زندگی (پارک، ۲۰۱۳)، آرامش^۷ (اکسلاین^۸ و همکاران، ۲۰۰۰)، حمایت اجتماعی (لد و مکینتاش^۹، ۲۰۰۸) و خودمهارگری (مکالخ و ویلوبی^{۱۰}، ۲۰۰۹) در پیوند است.

گرچه دین و معنویت منشأ افزایش سلامت روانی و آسایش در بسیاری از انسان‌هاست، دسته‌ای از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برخی از آشکال دین‌داری می‌توانند سرچشمه تعارض^{۱۱}، فشار^{۱۲} و کشمکش^{۱۳} باشند. اندیشه تعارضات و کشمکش‌های روانی - معنوی برای دین‌پژوهان، روحانیان، رهبران معنوی، و مشاوران مذهبی امری جدید نیست. گرچه روان‌شناسان تجربی نگر تازه گام در این گفت‌وگوی بین‌رشته‌ای نهاده‌اند، این توجه همواره روزافزون بوده است (اکسلاین و روز^{۱۴}، ۲۰۰۵). طی سه دهه گذشته، متخصصان به مسائلی مانند «تعارض دینی»^{۱۵} (نیلسن، ۱۹۹۸)، «مقابله دینی منفی»^{۱۶} (پارگامنت^{۱۷} و همکاران، ۲۰۱۳)، «دل‌مشغولی‌های معنوی»^{۱۸} (مانند جانسن و هیز^{۱۹}، ۲۰۰۳)، «کشمکش‌های دینی و معنوی» (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۱؛ اکسلاین، ۲۰۱۳)، «فشار

1. Paloutzian
2. Park
3. Koenig
4. well-being
5. Granqvist
6. Kirkpatrick
7. comfort
8. Exline
9. Ladd & McIntosh
10. McCullough & Willoughby
11. conflict
12. strain
13. struggle
14. Rose
15. religious conflict
16. negative religious coping
17. Pargament
18. spiritual concerns
19. Johnson & Hayes

دینی^۱ (اکسلاین و همکاران، ۲۰۰۰)، «مخاطره معنوی»^۲ (مانند فیشت، ۱۹۹۹)، و «آسیب معنوی»^۳ (لوسن^۴ و همکاران، ۱۹۹۸) در کانون توجه قرار گرفته‌اند.

مفهوم «کشمکش روانی - معنوی» گویای آن است که چیزی در باور، عمل، یا تجربه معنوی فرد وجود دارد که موجب پدیدایی یا تداوم پریشانی است. این پریشانی ممکن است به شکل هیجانی منفی بنیادین (مانند غم؛ خشم؛ احساس گناه) بروز کند، یا گویای تعارضی درونی باشد که فرد در آن، افکار یا احساساتی را تجربه می‌کند که به راحتی حل‌شدنی نیستند (اکسلاین، ۲۰۱۳).

مطالعات تا به امروز، حمایت زیادی از پیوند میان کشمکش‌های روانی - معنوی، پریشانی هیجانی و نیز سلامت پایین جسمانی کرده‌اند. نتایج بر گرفته از انواع مطالعات، از جمله فراتحلیل‌ها و پیمایش‌های نمونه‌های غیربالینی و بالینی، هستند (اکسلاین، ۲۰۱۳). مطالعه‌ای بر روی ۵۴۷۲ دانشجو (جانسن و هیز، ۲۰۰۳) نشان داد که ۲۵ درصد از آن‌ها احساس پریشانی معنوی^۵ می‌کنند. در یک فراتحلیل (آنو و واسکونسلز^۶، ۲۰۰۵) از ۴۹ مطالعه درباره مقابله دینی (از مجموع ۱۳۵۱۲ شرکت‌کننده)، کشمکش‌های روانی - معنوی با اضطراب، افسردگی، احساس گناه، ناامیدی، خصومت، ناکش‌وری اجتماعی و تمایلات خودکشی رابطه داشته است. در یک مطالعه ملی (۱۶۲۹ شرکت‌کننده) در تمام ایالت‌های آمریکا، کشمکش‌های روانی - معنوی با اضطراب بیشتر، افسردگی، اندیشه‌پردازی‌های پارانو یا گونه، وسواس - بی‌اختیاری، و بدنی‌سازی در ارتباط بوده است (مکانل^۷ و همکاران، ۲۰۰۶). در بررسی دیگری در بین ۱۲۷۲ روحانی، کشمکش‌های روانی - معنوی به طور معنادار با پریشانی روان‌شناختی رابطه داشته است (الیسن^۸ و همکاران، ۲۰۱۰). در پژوهشی دیگر، کشمکش‌های روانی - معنوی با افسردگی بالا، اضطراب، درماندگی هیجانی، افکار خودکشی، روان‌آزردگی، نشانه‌شناسی روان‌تنی و سطوح پایین حرمت خود ارتباط داشته است (آنو و پارگامنت، ۲۰۱۳). همچنین مطالعات طولی هم، نتایج مطالعات مقطعی را تأیید می‌کنند. در یک مطالعه طولی دو ساله بر روی بیماران سالخورده

1. religious strain
2. spiritual risk
3. spiritual injury
4. Lawson
5. spiritual distress
6. Ano & Vasconcelles
7. McConnell
8. Ellison

بیمارستانی، مشارکت کنندگانی که کشمکش‌های روانی - معنوی شدیدتری را تجربه کرده بودند، افسرده‌تر بودند و کاهش در کیفیت زندگی، وابستگی در فعالیت‌های روزانه و کاهش در پیامدهای معنوی را تجربه می‌کردند (پارگمنت و همکاران، ۲۰۰۴).

گرچه پژوهش‌های متعدد در باب کشمکش‌های روانی - معنوی بر آگاهی پژوهشگران نسبت به این پدیده افزوده است، اما غالب این پژوهش‌ها بر «پیامدهای جسمانی و روان‌شناختی» کشمکش‌های روانی - معنوی متمرکز بوده‌اند. پژوهش‌های اندکی عوامل پیش‌بینی‌کننده کشمکش‌های روانی - معنوی را شناسایی کرده‌اند. براساس یک پژوهش، عوامل پیش‌بین‌گر عبارت بودند از سردرگمی درباره ارزش‌ها، روابط مشکل‌آفرین با هم‌سالان، دل‌مشغولی‌های جنسی، افکاری درباره تنبیه شدن به خاطر گناهان (جانسن و هیز، ۲۰۰۳). در این پژوهش، تعدادی عوامل پیش‌بینی‌کننده بدون چارچوبی نظری ارائه شده است (به نقل از آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳). طبق پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده است می‌توان عوامل تأثیرگذار در ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی را در چهار دسته قرار داد:

۱) «عوامل جمعیت‌شناختی»: طبق پژوهش‌ها، کشمکش‌های روانی - معنوی با جوان بودن (اکسلاین^۱ و همکاران، ۲۰۱۱)، عدم تأهل (مکانل و همکاران، ۲۰۰۶)، و زن بودن (بریانت و آستین^۲، ۲۰۰۸) در ارتباط است؛ ۲) «عوامل دینی / معنوی»: پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عضویت در گروه‌های اقلیت‌های دینی (بریانت و آستین، ۲۰۰۸)، جهت‌گیری دینی برونی و جستاری (یا پرسش‌گرانه) (سندیج^۳ و همکاران، ۲۰۱۰) با کشمکش‌های روانی - معنوی در ارتباط هستند. همچنین، تصور دست‌نیافتنی بودن و رازآلود بودن خداوند (بریانت و آستین، ۲۰۰۸)، و دل‌بستگی مضطرب یا دوسوگرا با خدا داشتن (آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳) نیز جزو عواملی است که با کشمکش‌های روانی - معنوی در ارتباط‌اند؛ ۳) «عوامل شخصیتی»: در چارچوب شخصیتی، کشمکش‌های روانی - معنوی با تمایلات عمومی به تجربه هیجان‌های منفی، مانند رگه‌های روان‌آزردگی و بدبینی در ارتباط‌اند (آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳؛ ویلت و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین، طبق پژوهش‌ها، کشمکش‌های مربوط به خدا با ویژگی‌های خودشیفته (گرابز^۴ و همکاران، ۲۰۱۳) و نیز عاطفه‌گری منفی^۵

1. Exline
 2. Bryant & Astin
 3. Sandage
 4. Campbell
 5. negative affectivity

(آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳) مرتبط‌اند؛ ۴ «عوامل موقعیتی»: عوامل موقعیتی مانند تأثیرات والدینی (هومولکا^۱، ۲۰۱۴)، ارزیابی‌های منفی از رخدادهای تنیدگی‌زا (آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳)، حمایت پایین اجتماعی (مکانل و همکاران، ۲۰۰۶)، و عوامل تنیدگی‌زای خانوادگی - مانند الکلیسم و سوء استفاده جنسی و جسمی کودک - (سوزیک و وین مولر^۲، ۲۰۰۶) را نیز می‌توان به منزله پیش‌بین‌گرهای موقعیتی کشمکش‌های دینی در نظر گرفت.

اگرچه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه کشمکش‌های روانی - معنوی امیدبخش هستند و اطلاعات مفیدی درباره ماهیت، پیش‌بین‌گرها، و پیامدهای کشمکش‌های روانی - معنوی به ارمغان آورده‌اند، محدودیت‌هایی نیز دارند. محدودیت اصلی آن‌ها به منحصر بودن این مطالعات به دنیای مسیحیت بازمی‌گردد. محدودیت دیگر به روش‌شناسی آن‌ها بازمی‌گردد. اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های انجام‌شده با روش‌های کمی، آن‌هم در حد روش‌های هم‌بستگی، است. به همین منظور، پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی به دنبال کشف تجربه زیسته مسلمانان دارای کشمکش‌های روانی - معنوی در ایران بود.

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از نظریه وابسته به زمینه^۳ انجام شد. در روش نظریه وابسته به زمینه، تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس سه مرحله «کدگذاری»^۴ باز^۴ (اولیه)، محوری^۵، و گزینشی^۶ انجام می‌شود (گلاسر و استراوس، ۲۰۰۶/۱۹۶۷). نمونه این مطالعه براساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد و تا زمان اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد. برای گردآوری اطلاعات، از طریق مصاحبه عمیق پدیدارشناختی نیمه‌ساختاریافته با چهارده نفر از افرادی که دچار کشمکش روانی - معنوی بودند، درباره ابعاد مختلف تجربه کشمکش روانی - معنوی‌شان گفت‌وگو انجام گرفت. برای انتخاب افراد نمونه، اطلاعاتی مشتمل بر اهداف و موضوعات اصلی مصاحبه در مراکز مشاوره روان‌شناختی شهر قم توزیع شد. ۳۲ نفر به صورت داوطلبانه برای کسب اطلاعات بیشتر تماس گرفتند. پس از ارائه توضیحات

1. Homolka
2. Szewczyk & Weinmuller
3. grounded theory
4. open coding
5. axial coding
6. selective coding

مقدماتی درباره اهداف، محتوا و فرایند مصاحبه تعداد ۲۱ نفر برای احراز ملاک‌های ورود و ارائه توضیحات تکمیلی به محل مصاحبه مراجعه کردند. در این مرحله پس از اجرای پرسش‌نامه کشمکش‌های روانی - معنوی به منزله تست غربالگری، و انجام مصاحبه جهت احراز سایر ملاک‌های ورود، و توضیح شرایط لازم برای اجرای مصاحبه (مانند ضرورت ضبط جلسات، محرمانه ماندن محتوای جلسات، ضرورت شرکت منظم در جلسات) فرم رضایت آگاهانه که ۸ بند داشت به آن‌ها داده شد تا با اطلاع کامل از جزئیات شرایط و فرایند مصاحبه، برای شرکت در مصاحبه، تصمیم خود را اعلان کنند. در نهایت، هجده نفر به منزله مشارکت‌کنندگان اصلی جهت انجام مصاحبه در این پژوهش وارد شدند. گرچه در اجرای مصاحبه با افراد دوازدهم و سیزدهم، داده‌های به دست آمده تکرار می‌شدند و کشف داده‌های جدید بسیار کم شده بودند، اما فرایند مصاحبه تا نفر چهاردهم برای اطمینان از اشباع داده‌ها ادامه یافت. معیارهای ورود مشارکت‌کنندگان بدین شرح بودند: ۱. دارای سطح قابل قبولی از جهت‌گیری (مثبت یا منفی) دینی باشند؛ ۲. حداقل یک کشمکش روانی - معنوی بارز داشته باشند؛ ۳. هجده سال به بالا باشند؛ ۴. رضایت کامل جهت شرکت در جلسات و رعایت ضوابط جلسات (مانند ضرورت ضبط جلسات) را داشته باشند. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، همگی زن، با میانگین سنی ۳۳٫۵ (در دامنه ۱۹ تا ۵۰ سال)، ده نفر متأهل و چهار نفر مجرد بودند. سه نفر تحصیلات حوزوی (سطح ۱ و ۲) و نه نفر تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس) داشتند و دو نفر در حد دیپلم و پنجم ابتدایی تحصیل کرده بودند. یک نفر از مشارکت‌کنندگان معلم، سه نفر دانشجو و ده نفر خانه‌دار بودند. سه نفر از مشارکت‌کنندگان وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را پایین، نه نفر متوسط و ۲ نفر خوب توصیف کردند.

براساس استاندارد مصاحبه‌های عمیق پدیدارشناختی (سیدمن، ۲۰۰۶)، مدت مصاحبه برای هر مراجع، چهار جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در نظر گرفته شد. هدف مصاحبه عمیق پدیدارشناختی، «فهم تجربه زیسته افراد و معنایی که به آن تجربه‌ها می‌دهند» است. متمایزترین شاخصه رویکرد مصاحبه عمیق پدیدارشناختی این است که یک ساختار حداقل سه جلسه‌ای مجزا از هم دارد، که در آن‌ها «بافت»^۱ تجربه مشارکت‌کننده، جزئیات «تجربه»^۲ وی، و «معنا»^۳ تجربه‌هایش به صورت مجزا مورد بحث قرار می‌گیرد (سیدمن،

1. context
2. experience
3. meaning

۲۰۰۶). به همین منظور در پژوهش حاضر، علاوه بر مقدمات مصاحبه که یک جلسه را به خود اختصاص داد، جلسه دوم، «بافت» تجربه مشارکت کننده را مورد هدف قرار داد. جلسه سوم، مشارکت کننده را قادر ساخت تا جزئیات «تجربه» اش را در بستر بافتی که آن تجربه در درون آن رخ داده است، بازسازی کند. و جلسه چهارم، مشارکت کننده را ترغیب کرد تا درباره «معنا»ی تجربه‌هایی که برایش رخ داده است تأمل و گفت‌وگو کند.

برای انجام این مصاحبه، از «سؤالات بازپاسخ»^۱ استفاده شد، تا از این طریق، داستان کشمکش‌های روانی - معنوی مشارکت کنندگان به دست آورده شود. برای درک بهتر داستان زندگی معنوی مشارکت کننده و سهولت در برقراری ارتباط میان مشارکت کننده و مصاحبه گر، در کنار سؤالات بازپاسخ، از «تمرین‌های بالینی»^۲ که کمی ساختارمندتر هستند نیز استفاده شد (پارگامنت و کرومری، ۲۰۰۹). در جلسات مصاحبه حاضر، این تمرین‌های بالینی در قالب «کاربرگ» به مشارکت کننده ارائه شد. در جلسات حاضر از سه تمرین بالینی «ژنوگرام معنوی»^۳، «نقشه محیطی معنوی»^۴، و «شرح حال نویسی معنوی»^۵ استفاده شده است. این تمرین‌ها جزو رایج‌ترین تمرین‌های بالینی حوزه مصاحبه و روان‌درمانگری دینی هستند (هاج، ۲۰۱۳؛ پارگامنت و کرومری، ۲۰۰۹).

در جلسه اول پژوهش حاضر، کارهای مقدماتی مصاحبه، از جمله بررسی و احراز معیارهای ورود و خروج، گفت‌وگو درباره جلسات، اهداف و مدت زمان آن و تأیید فرم رضایت آگاهانه توسط مشارکت کننده انجام شد. در جلسه دوم، «بافت» تجربه مشارکت کننده به عنوان هدف قرار داده شد. در این جلسه، هدف مصاحبه کننده این بود که تجربه مشارکت کننده را در «بافت اجتماعی» قرار دهد. او این کار را از طریق پرسش درباره گذشته تا اکنون فرد در باب کشمکش‌های روانی - معنوی انجام داد. از وی سؤالات کلی درباره تجربه‌های اولیه‌اش در خانواده، در مدرسه، با دوستان، و همسایگان و در محل کار سؤال شد. مصاحبه گر تلاش کرد تا تجربه‌های کشمکش‌های روانی - معنوی مشارکت کننده در بافت تاریخچه زندگی اش مورد بررسی قرار گیرد. در جلسه سوم از

-
1. open-ended questions
 2. clinical exercises
 3. spiritual genogram
 4. spiritual eco-map
 5. spiritual autobiography

مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا جزئیات تجربه زیسته جاری خود را در باب کشمکش‌های روانی - معنوی بازسازی کنند. برای نمونه از آن‌ها خواسته شد تا کم و کیف برجسته‌ترین کشمکش روانی - معنوی خود را با جزئیات بیان کنند. به منظور قرار دادن تجربه مشارکت‌کننده در بافت و شرایط واقعی، از وی خواسته شد تا کشمکش روانی - معنوی خود را در بافت واقعی خود و در ارتباط با افرادی که درگیر این مسئله هستند (اعضای خانواده، همکاران، و دوستان) شرح دهد. در این جلسه از آن‌ها خواسته شد تا یک روز کامل را که درگیر کشمکش روانی - معنوی هستند، از لحظه‌ای که از خواب بیدار می‌شود تا زمان خواب، برای مصاحبه‌کننده با جزئیات بازسازی کنند. جلسه چهارم، مشارکت‌کننده را ترغیب کرد تا درباره «معنا»ی تجربه‌هایی که برایش رخ داده است تأمل کند. پرسش در باب معنای تجربه‌ها در واقع پرسش از پیوندهای شناختی و هیجانی میان کشمکش‌های روانی - معنوی جاری و تاریخچه زندگی فرد است. معناسازی تجربه‌های مربوط به کشمکش‌های روانی - معنوی مستلزم این است که مشارکت‌کننده چگونگی تعامل عوامل موجود در طول زندگی وی را که وضعیت کنونی را برای وی به‌بار آورده است، مورد بررسی قرار دهد. همچنین مستلزم این است که مشارکت‌کننده تجربه کنونی خویش را به تفصیل مورد کنکاش قرار دهد، و آن را در بافتی که آن تجربه‌ها در آن‌ها رخ داده است بررسی کند. ترکیب «اکتشاف گذشته» برای شفاف‌سازی رخدادهایی که سبب‌ساز جایگاه کنونی فرد است، و «توصیف جزئیات مشخص و عینی تجربه‌های کنونی»، مشارکت‌کننده را قادر می‌سازد تا در باب آن چیزی که الان در حال تجربه آن است، تأمل و اندیشه کند.

به منظور حصول قابلیت اطمینان یا موثق بودن^۱ (معادل روایی و اعتبار در روش کمی)، از معیارهای لینکلن و گابا استفاده کردیم (تدلی و تشکری، ۲۰۰۹). برای نیل به معیار «اعتمادپذیری»^۲ (معادل روایی درونی)، مصاحبه‌ها را به مشارکت‌کنندگان دادیم تا صحت و درستی نتایج مصاحبه را تأیید کنند، و در صورت لزوم اصلاحات انجام شود. همچنین، پژوهشگران به مدت ۵ ماه کوشیدند تا با جنبه‌های مختلف تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان دریا می‌زند. برای اطمینان از معیار «تأییدپذیری»^۳ (معادل عینیت)

1. trustworthiness
2. credibility
3. conformability

پژوهشگران کوشیدند تا پیش‌فرض‌های خود را در جمع‌آوری داده‌ها دخالت ندهند. برای دست‌یابی به معیار «اتکاپذیری»^۱ (معادل اعتبار)، از ده کارشناس خواستیم تا کدها، مقوله‌ها، درون‌مایه‌ها، و مدل نظری مأخوذ از داده‌ها را ارزیابی کنند. جهت «انتقال‌پذیری»^۲ داده‌ها (معادل روایی بیرونی)، کوشیدیم تا مشارکت‌کنندگان را از گروه‌های مختلف و متنوع براساس جایگاه اجتماعی، تحصیلی، و فرهنگی انتخاب کنیم. همچنین، ما تمام اظهارات مصاحبه‌شوندگان را ضبط کردیم تا توصیف دقیقی از فرایند و محتوای مصاحبه‌ها داشته باشیم. این امر به اطمینان از حصول معیار انتقال‌پذیری داده‌ها کمک شایانی می‌کند (تدلی و تشکری، ۲۰۰۹).

پس از پیاده کردن تمام جلسات از روی ضبط صوت در ۱۸۰ صفحه، کدگذاری اولیه (باز)^۳ انجام، و ۲۸۰ کد استخراج شد. سپس مبتنی بر اظهارات مشارکت‌کنندگان، برداشت تیم پژوهشی، و ادبیات و نظریه‌های موجود در روان‌شناسی دین، فرایند کدگذاری‌های و محوری^۴ و گزینشی^۵ اجرا، و کدها در قالب ۲۱ مقوله^۶، و مقوله‌ها در قالب سه درون‌مایه^۷ دسته‌بندی و نهایتاً در قالب ۱ الگوی نظری کشمکش‌های روانی - معنوی صورت‌بندی شدند. سپس این یافته‌ها، در قالب فرم ارزیابی به ۱۰ کارشناس ارائه شد. پس از بررسی نظرات کارشناسان و اعمال اصلاحات لازم، نهایتاً ۲۱ مقوله به «۱۶ مقوله» کاهش یافت، «۳ مضمون» موجود تغییر نکرد، و براساس آن‌ها الگوی نهایی کشمکش‌های روانی - معنوی به دست آمد. درون‌مایه‌ها، مقوله‌ها، و مؤلفه‌ها (کدها) در جدول‌های ۱ و ۲ قابل مشاهده است. شکل ۱ نیز، الگوی نهایی برآمده از این درون‌مایه‌ها، مقوله‌ها، و مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

یافته‌ها

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، درون‌مایه‌های اصلی تجربه زیسته افراد از کشمکش‌های

1. dependability
2. transformability
3. open coding
4. axial coding
5. selective coding
6. category
7. theme

روانی - معنوی را می‌توان ذیل سه مضمون الف) «ساختار کشمکش‌های روانی - معنوی»؛ ب) «عوامل پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی»؛ و ج) «پیامدهای کشمکش‌های روانی - معنوی» قرار داد. و سپس تمام مقوله‌ها، و کدها را نیز می‌توان ذیل این سه درون‌مایه طبقه‌بندی کرد.

الف) عوامل پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی: ۷ مقوله به‌عنوان عوامل پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی در تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان شناسایی شد. این‌ها عبارت‌اند از: عوامل روان‌شناختی، خانوادگی، موقعیت استرس‌زا، درونی‌سازی دینی، تصور از خدا، دلبستگی به خدا، و جهت‌گیری دینی پرسش‌گرانه.

عوامل روان‌شناختی شامل دو زیرمقوله صفات شخصیتی و اختلالات روان‌شناختی است. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

من بد اخلاق و عصبی هستم. زیادی جدی هستم. از همه چیز خسته شدم. همه چیز برام تکراری شده، دوست دارم همه چی تموم بشه. از سال اول دانشگاه دچار وسواس شدم. خیلی آزارنده بود. این وسواس رابطه من و خدا را تحت الشعاع قرار داد. به خاطر مشکلات و ابتلائات زندگی دچار افسردگی و استرس شدید شدم. همیشه منتظر یک اتفاق بد هستم. من خودم رو نمی‌شناسم. هیچ درک و تصویر ذهنی از خودم ندارم. هیچ اعتماد به نفسی ندارم. وقتی بچه بودم همیشه مظلوم بودم. همیشه حقم رو می‌خوردن. اولویت زندگی من راضی نگه داشتن دیگران بود. افسردگی شدید داشتم که بعد تبدیل شد به اضطراب و استرس (مصاحبه ۴).

عامل خانوادگی مشتمل بر رابطه فرد با سایر اعضای خانواده به‌ویژه والدین است. البته رابطه زوجین را هم شامل می‌شود. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

شرایط خانه ما تخریب‌گر است. در خانه ما همه عصبی هستند. پدرم به خانواده توجه نمی‌کنه. وظایف همسری رو انجام نمی‌ده. در دوران کودکی از او محبت ندیدیم. مسئولیت‌پذیر نبوده و نیست. همیشه برای ما بدآموزی داشته. ما خیلی از بابام می‌ترسیدیم و خیلی ازش کتک می‌خوردیم. حتی وقتی بازی می‌کردیم و شلوغ می‌کردیم ما رو می‌زد.

از مادرم فقط سخت‌گیری‌ها و کتک‌هاش یادمه. مادرم شکاک و بدبین بود. همیشه در خونه ما مشاجره و دعوا بود. خانواده از هم گسیخته‌ای داشتیم. رابطه اعضای خانواده با پدر اصلاً خوب نیست. با او راحت نیستیم. مادر من شدیداً کنترل‌گر بود (مصاحبه ۶).
عامل درونی‌سازی دینی به نوع تربیت دینی والدین نسبت به فرزندان اشاره دارد. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

پدر و مادرم برنامه خاصی برای تربیت دینی ما نداشتن. مادرم در مسائل دینی خشک و متعصب بود. اگر به توصیه‌های دینی‌اش عمل نمی‌کردیم با تندی برخورد می‌کرد. مادرم می‌گفت هر کی نماز نخونه تو آتیش جهنم می‌سوزه. من خیلی می‌ترسیدم. وحشت داشتم. پدرم به لحاظ دینی خیلی آدم مقیدی هست و نسبت به ماها هم خیلی سخت‌گیره. از بابام حسابی می‌ترسیدیم. اگر اشتباهی می‌کردیم حسابی کتک‌مون می‌زد. قبلاً اعمال دینی رو همیشه با اجبار و اکراه انجام می‌دادم (مصاحبه ۱).
عامل تصور از خدا به نوع تصویری اشاره دارد که فرد نسبت به خداوند دارد. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

در کودکی خدا برایم ترسناک نبود. الان ترسناک‌تر است. فکر می‌کنم خدا یک سری قوانین آفریده که آن‌ها هستند که عمل می‌کنن. هیچ عاطفه‌ای وجود نداره. هیچ مهربانی در او نیست. این من رو می‌ترسونه. خدا یه موجود دست‌نیافتنیه. گویی خدا یک چیز جامده. همین قوانینه. فکر می‌کنم خدا ارتباط مستقیمی با ما ندارد (مصاحبه ۱۲).
عامل دل‌بستگی به خدا، نوع دل‌بستگی فرد با خداوند را در نظر می‌گیرد. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

حسم نسبت به خدا گاهی خوبه و گاهی بد. اگر در کاری شکست می‌خوردم ناامید می‌شدم و قهر می‌کردم، اما وقتی همه چی بر وفق مراد بود حسم خوب بود. همیشه این حس رو داشتم که اگر از چیزی شاد بشم خدا یه بلایی سرم میاره. از دوستی با خدا پشیمون نیستم، اما دل‌گیرم. چون جوابی برای نیایش‌های خودم نگرفتم. هر وقت که با خدا لج می‌کنم آرامشم را از دست می‌دهم و احساس می‌کنم حقیر شدم. آدم نباید پیشرفت کند و باید بدبخت بماند. خدا این را می‌خواه. دنبال خدای واقعی هستم که به من آزادی و قدرت و شادی بدهد. گاهی احساس می‌کنم خدا منتظر نشسته تا ما کاری کنیم و گوشمون رو بپیچونه (مصاحبه ۱۳).

جهت‌گیری دینی پرسش‌گرانه، نوع نگرش فرد نسبت به باورها و اعتقادات خویش دینی است. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

در باره مسائل معنوی از همون اول زیاد تحقیق می‌کردم، اما درباره هیچ‌کدوم نمی‌شد نظر قطعی داد. درباره مسائل معنوی هیچ وقت به یک حالت قطعی و اطمینان‌بخش نرسیدم. در نوجوانی خیلی کتاب می‌خوندم. بیشتر در این باره که خدا کیه؟ چجوریه؟ برایم مهم است که بدانم فلسفه عبادت کردن چیست (مصاحبه ۷).

ب) پیامدهای کشمکش‌های روانی - معنوی: ۳ مقوله به منزله پیامدهای روان‌شناختی کشمکش‌های روانی - معنوی شناسایی شد. این‌ها عبارت‌اند از: بی‌انگیزگی دینی، مشکلات روان‌شناختی، و رشد دینی. بی‌انگیزگی دینی به بی‌روح بودن و بی‌حال بودن معنوی اشاره دارد. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

الان با اکراه نماز می‌خونم. گاهی هم اصلاً نمی‌خونم. اصلاً لذت نمی‌برم. تردیدهایی که در دلم هست باعث میشه از اعمال دینی لذت نبرم. به خدا احساس نزدیکی نکنم. در نماز حضور قلب نداشته باشم. اگر ترس از مجازات نباشه گاهی دلم می‌خواد نماز نخونم یا حجابم رو بردارم (مصاحبه ۱۰).

مشکلات روان‌شناختی به مشکلات در حیطه سلامت روانی و آسایش اشاره دارد. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

صبح که از خواب بیدار می‌شم معمولاً استرس و نگرانی دارم. ناراحت‌کننده‌ترین بُعد این قضیه برای من هراس و ترس است. ترس از کمک نشدن و تنهایی (مصاحبه ۶).
رشد دینی به نوع نگاه اصلاحی و رشدی فرد نسبت به مشکلات زندگی خود اشاره دارد. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از اظهارات یکی از مشارکت‌کنندگان در جلسات مصاحبه است:

به نظرم خدا من را آزمایش می‌کند تا روح من بزرگ‌تر شود. فکر می‌کنم ما سنگ ناخالصیم. مثل سنگ طلا که از معدن استخراج می‌کنن. باید ذوب بشیم تا ناخالصی‌هامون از بین بره (مصاحبه ۲).

در ادامه، کدگذاری، مقوله‌بندی، و الگوی نظری نهایی در قالب جدول‌های مجزا عرضه می‌شوند.

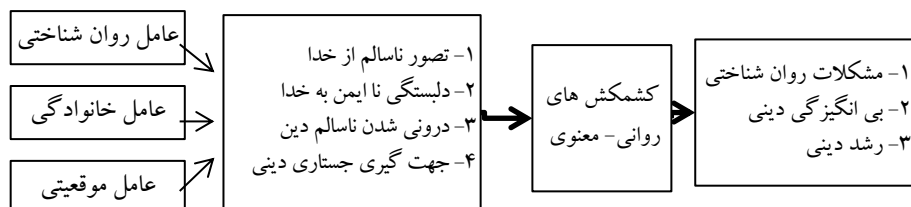
جدول ۱ عوامل پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی

مقاله	مؤلفه (کد)
عامل روان‌شناختی	<p>ناتوانی در تغییر خویش؛ تردید نسبت به خود؛ خجالتی بودن؛ احساس تنهایی؛ ناامیدی؛ زودرنجی؛ استرس؛ اضطراب؛ احساس ناامنی؛ اعتماد به نفس پایین؛ عدم پذیرش خود؛ دوست نداشتن خود؛ جرئت‌مندی و جسارت پایین؛ مشکل در تصمیم‌گیری؛ خودکم‌بینی در روابط؛ احساس حقارت؛ ترس از مسخره شدن؛ تلاش در جهت راضی نگاه داشتن همه؛ احساس تحت کنترل بودن از جانب یک نیروی نامعلوم؛ سرزنش خود؛ حس همیشگی قربانی بودن؛ ترس از پیشرفت؛ تواضع؛ قربانی شدن برای دیگران؛ ترس از قضاوت دیگران؛ ترس از تغییر مثبت؛ عدم جرئت در مخالفت با دیگران؛ عقل ضعیف؛ ترس از طرد شدن از جانب دیگران؛ ترس از آزادمنشی؛ مقایسه کردن فراوان خود با دیگران؛ حساسیت بالا نسبت به حرف‌های دیگران؛ وابستگی به تأیید بیرونی؛ اراده ضعیف؛ افسردگی؛ وسواس؛ اختلال شخصیت؛ اضطراب.</p>
عامل خانوادگی	<p>شرایط خانوادگی تخریب‌گر؛ خانواده مذهبی اما غیراخلاقی؛ پدر روحانی اما سرد و غیراخلاقی؛ تسلط جو سرد و غیرمحترمانه در خانواده؛ چالش و تعارض در رابطه والدین؛ احساس تنهایی و عدم حمایت خانوادگی؛ رابطه بد عاطفی با پدر؛ زندان بودن محیط خانواده؛ تکراری بودن و خسته‌کننده بودن جو خانواده؛ طلاق والدین؛ ترس شدید از پدر؛ تنبیه شدید و زیاد پدر؛ ناتوانی پدر در حل مشکلات؛ مادر سخت‌گیر، تنبیه‌گر، شکاک و بدبین؛ وسواس مادر و کمال‌گرایی پدر؛ مادر متعصب و خشک؛ مادر شدیداً کنترل‌گر؛ اعتیاد پدر؛</p>
عامل موقعیتی استرس‌زا	<p>بیماری شدید فرزند؛ به هم خوردن ازدواج؛ مرگ مادر و برادر؛ طلاق والدین؛ سوء استفاده جنسی در دوران کودکی، وضعیت بد اقتصادی جامعه، وضعیت نابسامان اخلاقی جامعه؛</p>
عامل درونی‌سازی دین	<p>اجبار در تربیت دینی؛ دین‌داری نامنعطف والدین؛ درونی شدن سرزنش‌گرانه مسائل دینی؛ برنامه نداشتن والدین در تربیت دینی؛ انذار شدید مادر و ترساندن از آتش جهنم؛ درونی شدن تند و خشن اعمال دینی؛</p>
عامل تصور از خدا	<p>تصور خدای عظیم‌الجثه سخت‌گیر حسابگر؛ تصور خدای مجازات‌گر؛ تصور عدم حمایت الهی؛ خدای بی‌عاطفه؛ تصور عدم دخالت خدا در امور و قوانین دنیا؛ خدای دست‌نیافتنی (دسترس‌ناپذیر)؛ تصور یاری نکردن خدا در سختی‌ها؛ خدا به‌مثابه قوانین؛ نوسان شدید در تصور از خدا؛ خدای غضبناک و خشمگین؛</p>
عامل دلبستگی به خدا	<p>متغیر بودن رابطه با خدا؛ رابطه‌ام با خدا گاهی خوب است و گاهی بد؛ دوست دارم خودم را به خدا ثابت کنم؛ من خدا را می‌خواهم تا آرام شوم؛ خدا قربانی شدن را دوست دارد؛ خدا دوست دارد که من خودم را نزد دیگران کوچک کنم؛ خدایی را آرزو دارم که به من آزادی، قدرت و شادی دهد، اما الان</p>

ادامهٔ جدول ۱	
مؤلفه	مؤلفه (کد)
این گونه نیست؛ هر وقت با خدا لج میکنم آرامشم را از دست میدهم و احساس میکنم تحقیر شدم؛ همیشه در ذهنم این است که خدا دوست دارد ما حقیر و ضعیف باشیم؛ همیشه احساس می‌کنم اگر پیشرفت کنم و بالا بروم خدا از من ناراضی میشود؛ احساس میکنم خدا مرا رها کرده است؛ دوست دارم خدا را بیشتر احساس کنم و همانقدر که من دنبال او بودم او هم دنبال من باشد؛ به خاطر نیازم به خدا، دوست دارم او باشد؛ احساس میکنم امکان ندارد خدا دلش بسوزد؛	عامل جهت‌گیری دینی پرسش‌گرانه
دغدغهٔ اطمینان‌یابی در مسائل دینی؛ مطالعهٔ دینی زیاد در دوران نوجوانی؛ عدم قطعیت و یقین در مسائل دینی؛ برقراری رابطه با گروه‌های مختلف دینی برای حصول اطمینان	

جدول ۲ پیامدهای کشمکش‌های روانی - معنوی	
مؤلفه	مؤلفه (کد)
بی‌انگیزگی دینی	عدم لذت دینی؛ عدم شرکت در مجالس مذهبی؛ نماز بی‌حال و بی‌روح؛ نماز خواندن از روی ناچاری؛ دوری از خدا؛
مشکلات روان‌شناختی	استرس و افسردگی شدید؛ ناامیدی به آینده؛ احساس تنهایی و غمگینی؛
رشد دینی	امتحان الهی؛ رشد الهی؛ ساخته شدن و وارستگی؛ مذهبی‌تر شدن؛ رشد پس از ابتلائات؛

در بخشی از تجزیه و تحلیل‌های مربوط به کدگذاری‌ها میان دو دسته عوامل پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی تمایز پدید آمد. دسته‌ای از عوامل به‌منزلهٔ عوامل اصلی و برخی عوامل به‌منزلهٔ عوامل میانجی شناخته شدند. عوامل اصلی عبارت بودند از عامل روان‌شناختی، عامل خانوادگی، و عامل موقعیتی. و عوامل میانجی عبارت بودند از تصور از خدا، نوع دلبستگی با خدا، نوع درونی‌سازی دینی، و نوع جهت‌گیری دینی فرد. این تفکیک و تمایز هم در اظهارات مشارکت‌کنندگان بود و هم پشتوانه‌های پژوهشی دارد. به همین جهت، در فرم روایی محتوایی، این تمایز گنجانده شد و در نهایت کارشناسان نیز با این تمایز همراه و هم‌دل شدند. با توجه به این تمایز و نکاتی که در پیش گفته شد، می‌توان الگوی نظری کشمکش‌های روانی - معنوی را به‌صورتی که در شکل ۱ آمده است ترسیم کرد.



شکل ۱ الگوی نظری کشمکش‌های روانی - معنوی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر کشف تجربه زیسته مسلمانان در زمینه کشمکش‌های روانی - معنوی بود. نتایج نشان داد که تجربه زیسته کشمکش‌های روانی - معنوی را می‌توان در سه گستره «ساختار کشمکش‌های روانی - معنوی»، «عوامل زمینه‌ساز کشمکش‌های روانی - معنوی»، و «پیامدهای کشمکش‌های روانی - معنوی» طبقه‌بندی کرد. در بخش یافته‌های مربوط به عوامل پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی، هفت مقوله به‌عنوان عوامل پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی در تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان شناسایی شد. این‌ها عبارت بودند از: عوامل روان‌شناختی، خانوادگی، موقعیت استرس‌زا، درونی‌سازی دینی، تصور از خدا، دل‌بستگی به خدا، و جهت‌گیری دینی پرسش‌گرانه. این یافته‌ها همسویی بسیار زیادی با یافته‌های دیگر دارد.

به‌طور کلی، شیوه‌ای که یک فرد با دنیای پیرامون خود و خودش تعامل می‌کند، به همان شیوه به مسائل دینی نیز پاسخ می‌دهد (ویلت و همکاران، ۲۰۱۶). یکی از عواملی که بیانگر شیوه‌های کلی مواجهه با خود و پیرامون خود در انسان‌هاست، «ویژگی‌های شخصیتی» است. برای مثال، پنج عامل بزرگ شخصیت، تفاوت‌های بنیادین فردی را در الگوهای عاطفه، رفتار و شناخت در خلال زمان و موقعیت نشان می‌دهد. به‌عبارت دیگر، این الگوها دربردارنده شیوه‌های اصلی هستند که با آن‌ها افراد در کارکردهای روزمره‌شان به‌طور متفاوت و مشخص عمل می‌کنند. طبق پژوهش‌ها (رز و اکسلاین، ۲۰۱۲) بسیاری از جنبه‌های باورهای دینی و معنوی با صفات (رگه‌ها) اصلی شخصیتی در ارتباط‌اند. در کنار این عوامل اصلی شخصیت، باورهای دینی و به‌طور کلی هویت دینی با جنبه‌های خاص شخصیتی مانند عزت نفس (گرابز و همکاران، ۲۰۱۶)، شفقت به خود (بیرنی و همکاران،

۲۰۱۰)، و احساس استحقاق روان‌شناختی^۱ (وود، ۲۰۱۰؛ گرابز و همکاران، ۲۰۱۶) نیز در ارتباط اند. همچنین، پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند که کشمکش‌های روانی - معنوی با عوامل شخصیتی توافق (گرابز و همکاران، ۲۰۱۳؛ گرابز و همکاران، ۲۰۱۶)، وظیفه‌شناسی (وود و همکاران، ۲۰۱۰) رابطه منفی دارد. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کشمکش‌های روانی - معنوی با عامل روان‌آزردگی (آنو و پارگامنت، ۲۰۱۳) رابطه مثبت دارد. بنابراین، یکی از عواملی که تأثیر بسزایی در وجود یا عدم کشمکش‌های روانی - معنوی دارد، ویژگی‌های شخصیتی است.

یکی از عواملی که تأثیر بسزایی در کیفیت دین‌داری افراد دارد، «خانواده» است. از منظر روان‌شناسی اجتماعی دین، این تأثیرگذاری از طریق «اجتماعی‌سازی»^۲ انجام می‌شود. منظور از اجتماعی‌سازی فرایندی است که از طریق آن فرهنگ (معمولاً به‌واسطه عوامل آغازینش، نظیر پدر و مادر) افراد را ترغیب می‌کند که عقاید و رفتارهایی را بپذیرند که در آن فرهنگ، هنجار و موردانتظارند. این‌گونه اجتماعی‌سازی، از طریق فرایند «درونی‌سازی»^۳ محقق می‌شود. فرد در خلال فرایند درونی‌سازی، قاعده یا ارزشی را که رسماً از بیرون تجویز شده است به قاعده یا ارزشی درونی تبدیل می‌کند (رایان و دسی، ۲۰۰۰). گرچه نظریه‌های روان‌شناختی متعددی از جمله دیدگاه‌های «روان‌تحلیل‌گری»، «یادگیری اجتماعی»، «شناختی - رشدی»، و «نمادین - تعامل‌گرا/نقش‌آموزی»^۴، بر مبحث اجتماعی‌سازی تأکید (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳)، نظریه یادگیری اجتماعی بر اهمیت مشاهده دیگران و تقلید از آن‌ها، و نیز بر نقش تقویت، تأکید می‌کند. یکی از الزامات این رویکرد این است که دین‌داری نوعاً تحت تأثیر محیط بلاواسطه فرد (به‌ویژه پدر و مادر) است، و این تأثیر از دو فرایند تقلید و تقویت محقق می‌شود (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳). بویاتزیس (۲۰۰۵) یکی از پیشگامان در بررسی نحوه تأثیرگذاری اجتماعی‌سازی در تحول دینی و معنوی کودکان و نوجوانان است. او بر پیچیدگی عوامل تأثیرگذار خانوادگی بر اجتماعی‌سازی فرزندان تأکید دارد. به اعتقاد وی گرچه اظهاراتی مانند اینکه «خانواده‌های دین‌دار، معمولاً کودکان دین‌دار به‌بار می‌آورند» هنوز هم مصداق دارد، اما باید بینیم «چرا» این اتفاق می‌افتد (بویاتزیس، ۲۰۰۵). به اعتقاد برخی روان‌شناسان، تفاسیری که

1. psychological entitlement
 2. socialization
 3. internalization
 4. symbolic-interactionist/role learning

خانواده از آموزه‌های دینی ارائه می‌دهد، و همچنین اعمال و باورهای آن‌ها، تکیه‌گاه شناختی^۱ را برای فرزندان فراهم می‌کنند و همین موجب می‌شود تا میان باورهای دینی والدین و فرزندان هم‌خوانی^۲ و سازش بالایی وجود داشته باشد. یکی از مسائلی که در کیفیت و نوع اجتماعی‌سازی دینی و نوع درونی‌سازی قواعد و ارزش‌های دینی تأثیر می‌گذارد، «سبک فرزندپروری»^۳ است. براساس پژوهش‌ها، نوع فرزندپروری والدین می‌تواند دین‌داری سالم و بالغانه فرزندان را تضمین کند، و هم می‌تواند مشکلاتی را برای آن‌ها به وجود آورد. فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه، در دین‌داری ناسالم و ناپخته فرزندان نقش دارد، همان‌طور که دین‌داری مقتدرانه در ایجاد دین‌داری سالم در فرزندان سهم دارد. همچنین، طبق پژوهش‌های انجام‌شده در گستره کشمکش‌های روانی - معنوی (هومولکا، ۲۰۱۴)، «گرمی و مهر»^۴، و همچنین «تعهد»^۵ والدینی می‌تواند سپری باشد در جهت جلوگیری از ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی در فرزندان. و از طرف دیگر، «منفی‌گری والدینی»^۶ (هومولکا، ۲۰۱۴) و والدگری سخت‌گیرانه و آزارگر^۷ (اکسلاين و همکاران، ۲۰۱۳) سهم مهمی در ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی در فرزندان دارد.

دو عامل به‌هم پیوسته که در ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی دخیل هستند، «تصور نسبت به خدا»^۸ و «دلبستگی به خدا»^۹ است. برخی پژوهشگران (گرساچ، ۱۹۶۸؛ شافر و گرساچ، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲؛ به نقل از نلسون، ۲۰۱۰) به سنخ‌شناسی تصورات از خدا پرداخته‌اند و آن‌ها را در سه دسته عامل قرار داده‌اند: دسته نخست ویژگی‌هایی هستند که خدایی فعال، خیرخواه، هدایت‌کننده و پایدار را توصیف می‌کنند. دسته دوم، توصیفی از خدای سخت‌گیر ارائه می‌دهند که غضبناک و سرزنش‌گر است. دسته سوم اوصافی هستند که خدایی دوردست و بی‌عاطفه، غیرانسان‌وار، دست‌نیافتنی، بیگانه و منفعل را توصیف می‌کنند. از آنجا که تصور منفی از خدا با عزت نفس (حرمت خود) پایین (بنسون و

-
1. cognitive anchors
 2. correspondence
 3. parenting Style
 4. warmth
 5. commitment
 6. parental negativity
 7. cruel parent concepts
 8. God image
 9. attachment to God

اسپیلکا، ۱۹۷۳، به نقل از آنو و پارگامنت، ۲۰۱۳)، سازگاری شخصی ضعیف (تیزدل و همکاران، ۱۹۹۷، به نقل از آنو و پارگامنت، ۲۰۱۳)، و دلبستگی دینی ناایمن (کرکپارتریگ و شیور، ۱۹۹۲، به نقل از آنو و پارگامنت، ۲۰۱۳) در پیوند است، انتظار می‌رود که تصور منفی از خدا نهایتاً به کشمکش‌های روانی - معنوی بینجامد (آنو و پارگامنت، ۲۰۱۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند تصور دست‌نیافتنی بودن و رازآلود بودن خداوند (برینانت و آستین، ۲۰۰۸)، و دلبستگی مضطرب یا دوسوگرا با خدا داشتن (آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳) نیز جزو عواملی است که با کشمکش‌های روانی - معنوی در ارتباط‌اند. دلبستگی مضطرب و اجتنابی به والدین موجب شکل‌گیری دلبستگی مضطرب و اجتنابی به خداست، و دلبستگی مضطرب و اجتنابی به خدا موجب پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی است (هومولکا و اکسلاین، ۲۰۱۴؛ آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳).

یکی دیگر از عواملی که در کشمکش‌های روانی - معنوی نقش دارد، «جهت‌گیری دینی» فرد است. جهت‌گیری دینی با نام «آلپورت» عجین شده است. آلپورت (۱۹۵۴، به نقل از وولف، ۱۹۹۷) نخست نگرش‌های متضاد مذهبی را در دو گروه نهادینه و درونی شده تقسیم کرد. بعدها (۱۹۵۹، به نقل از وولف، ۱۹۹۷) اصطلاحات برونی و درونی را برگزید. دانیل بتسون و همکارانش کوشیدند تا صورت‌بندی آلپورت را از ساده‌جهت‌گیری دینی درونی - برونی خارج کنند. آن‌ها سه عامل را در دین یافتند: دین به منزله وسیله (معادل دین‌داری برونی)، دین به منزله هدف (معادل دین‌داری درونی)، و دین در مقام جست‌وجو. بتسون بر آن است که مفهوم جست‌وجوی او سه جنبه از مفهوم دین آلپورت را دوباره مطرح می‌کند که در مفهوم دین‌ورزی درونی مغفول مانده است: پیچیدگی، تردید، و نامعلوم بودن. براساس برخی پژوهش‌ها (اسپیلکا و همکاران، ۱۹۸۵، به نقل از وولف، ۱۹۹۷) مقیاس جست‌وجو با معیارهای اضطراب سرشتی و پرسشگری مذهبی رابطه مثبت دارد. همچنین آن‌ها نتیجه می‌گیرند که نمره‌های زیاد در زمینه جست‌وجو نشان‌دهنده پریشانی شخصی و سطوح بالای اضطراب است. به همین جهت، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که جهت‌گیری دینی برونی و جستاری (یا پرسش‌گرانه) (سندیج و همکاران، ۲۰۱۰) با کشمکش‌های روانی - معنوی در ارتباط‌اند.

آخرین عاملی که طبق پژوهش حاضر جزو زمینه‌سازهای کشمکش‌های روانی - معنوی شناسایی شده‌اند، «شدت رخداد و موقعیت آسیب‌زا» است. گاهی اوقات استرس وارد شده به اندازه‌ای سنگین است که نظام معنایی فرد درباره خود و دنیای پیرامون خود

را دچار تزلزل می‌کند. در اینجا است که فرد ممکن است کشمکش‌های روانی - معنوی را تجربه کند. پژوهش‌های انجام‌شده (آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳) نیز این مسئله را تأیید می‌کنند.

آخرین گستره‌ای که جزو یافته‌های پژوهش حاضر بود مربوط به پیامدهای دینی، جسمانی، و روان‌شناختی کشمکش‌های روانی - معنوی بود. از آنجا که کشمکش‌های روانی - معنوی متضمن درجه‌ای از ناآرامی و رنج است، منطقی به نظر می‌رسد اگر شاخص‌های کشمکش‌های روانی - معنوی با شاخص‌های پریشانی هیجانی در ارتباط باشد (اکسلاین، ۲۰۱۳). مطالعات تجربی نیز تا به امروز، حمایت زیادی از پیوند میان کشمکش‌های روانی - معنوی، پریشانی هیجانی و نیز سلامت پایین جسمانی کرده‌اند (اکسلاین، ۲۰۱۳). یافته‌های پژوهش حاضر همسو با یافته‌های پژوهش‌های دیگر به ما خاطر نشان می‌کند که پیامدهای کشمکش‌های روانی - معنوی صرفاً منفی و مخرب نیستند، بلکه ممکن است که فوایدی نیز برای مبتلایان به کشمکش‌های روانی - معنوی داشته باشد، چرا که رشد انسان مستلزم این مسئله است که بیاموزیم چگونه با چالش‌ها و تعارضات جدید مواجه شویم، بنابراین این کشمکش‌ها می‌توانند فرصتی را برای رشد و شکوفایی انسان‌ها فراهم کنند (پارگمنت، ۲۰۰۷). بنابراین، نکته‌ای که توجه به آن اهمیت بسیار زیادی دارد این است که نه «ریشه»های پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی، الزاماً حالت آسیب‌شناختی دارد، و نه «پیامد»های آن الزاماً سازش‌نا یافته است. چرا که این کشمکش‌ها می‌توانند در اثر حالتی جست‌وجو‌گرانه در انسان پدید آیند و حالتی موقتی و گذرا داشته باشند، چنانکه در سبک دین‌داری جستاری شاهد آن هستیم. همچنین، این کشمکش‌ها می‌توانند ثمرات و پیامدهای پیش‌رونده و رشدیابنده برای انسان داشته باشد و ممکن است نهایتاً موجب شوند تا دین‌داری افراد عمیق‌تر، پخته‌تر و اصیل‌تر شود.

با افزایش روزافزون توجه به پدیده‌های دینی و معنوی در ادبیات تجربی و حساسیت رو به رشد نسبت به درمان‌های یکپارچه دینی و معنوی، مداخلات روان‌شناختی پدید آمده‌اند که آشکارا کشمکش‌های روانی - معنوی را به‌منزله هسته درمان مورد توجه قرار داده‌اند (جان‌بزرگی، ۱۳۹۸، پیشنهادی و همکاران، ۱۳۹۶؛ آنو، ۲۰۱۷). اما تعداد این مداخلات بسیار اندک است. یکی از تلویحات کاربردی پژوهش حاضر، ضرورت ساخت مداخلات روان‌شناختی متناسب با تعارضات و کشمکش‌های روانی - معنوی در جامعه ایران در جهت بهبود وضعیت سلامت روانی افراد به‌ویژه دین‌داران است.

منابع

- پیشنمازی، س.م.، تیبیک، م.ت.، و براتی سده، ف. (۱۳۹۶). طراحی مداخله‌ بازسازی دینی و بررسی اثربخشی آن بر سلامت روانی. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۱(۲)، ۲۳-۴۸.
- جان‌بزرگی، م. (۱۳۹۸). *درمان چندبعدی معنوی: یک رویکرد خداسو برای مشاوره و روان‌درمانگری: فنون و برنامه‌ها*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- Ano, G. G., Pargament, K. I., Wong, S., & Pomerleau, J. (2017). From Vice to Virtue: Evaluating a Manualized Intervention for Moral Spiritual Struggles. *Spirituality in Clinical Practice*, 2, 129-144.
- Ano, G. G., & Pargament, K. I. (2013). Predictors of spiritual struggles: An exploratory study. *Mental Health, Religion, & Culture*, 16, 419-434.
- Ano, G.G., & Vasconcelles, E.B. (2005). Religious coping and psychological adjustment to stress: A meta-analysis. *Journal of Clinical Psychology*, 61, 461-480.
- Birnie, K., Speca, M., & Carlson, L. E. (2010). Exploring self-compassion and empathy in the context of mindfulness-based stress reduction (MBSR). *Stress and Health*, 26, 359-371.
- Boyatzis, C. J. (2005). Religious and spiritual development in childhood. In R. F. Paloutzian & c. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology or religion and spirituality* (pp. 123-143). New York: Guilford Press.
- Bryant, A. N., & Astin, H. S. (2008). The correlates of spiritual struggle during the college years. *Journal of Higher Education*, 79, 1-27.
- Ellison, C.G., Roalson, L.A., Guillory, J.M., Flannelly, K.J., & Marcum, J.P. (2010). Religious resources, spiritual struggles, and mental health in a nationwide sample of PCUSA clergy. *Pastoral Psychology*, 59, 287-304.
- Exline, J. J. (2013). Religious and spiritual struggles. In K. I. Pargament (Ed.-in-Chief), J. J. Exline & J. W. Jones (Associate Eds.), *APA handbook of psychology, religion, and spirituality. Volume 1: Context, theory, and research* (pp. 459-475). Washington, DC: American Psychological Association.
- Exline, J. J., & Rose, E. (2005). Religious and spiritual struggles. In R. Paloutzian & C. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 295-314). New York: Guilford Press.
- Exline, J. J., Park, C. L., Smyth, J. M., & Carey, M. P. (2011). Anger toward God: Social-cognitive predictors, prevalence, and links with adjustment to bereavement and cancer. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100, 129-148.
- Exline, J. J., Yali, A. M., & Sanderson, W. C. (2000). Guilt, discord, and alienation: The role of religious strain in depression and suicidality. *Journal of Clinical Psychology*, 56, 1481-1496.
- Fitchett, G. (1999b). Selected resources for screening for spiritual risk. *Chaplaincy Today*, 15(1), 13-26.
- Glaser, B. G. & Strauss, A. L. (1967/2007). *The Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Chicago: Aldine.
- Granqvist, P., & Kirkpatrick, L. A. (2013). Religion, spirituality, and attachment. In K. I. Pargament (Ed.-in-Chief), J. J. Exline & J. W. Jones (Associate Eds.), *APA handbook of*

- psychology, religion, and spirituality. vol. 1: Context, theory, and research (pp. 139–155). Washington, DC: American Psychological Association.
- Grubbs, J. B., Exline, J. J., & Campbell, W. K. (2013). I deserve better and God knows it! Psychological entitlement as a robust predictor of anger at God. *Psychology of Religion and Spirituality*, 5, 192–200.
- Hadge, D. (2013). Assessing spirituality and religion in the context of counselling and psychotherapy. In Kenneth I. Pargament (Ed.). *APA Handbook of Psychology, religion and spirituality*, vol. (2) (pp. 93-123) Washington, DC: American Psychological Association.
- Homolka, S. J. (2014). *Divine struggles: Parents' contributions and attachment to God as a mediator*. Unpublished manuscript, Case Western Reserve University.
- Johnson, C. V., & Hayes, J. A. (2003). Troubled spirits: Prevalence and predictors of religious and spiritual concerns among university students and counseling center clients. *Journal of Counseling Psychology*, 50, 409–419.
- Koenig, H. G. (2013). Religion and Spirituality in Coping With Acute and Chronic Illness. In K. I. Pargament (Ed.-in-Chief), J. J. Exline & J. W. Jones (Associate Eds.), *APA handbook of psychology, religion, and spirituality. Volume 2: Context, theory, and research* (pp. 275–295). Washington, DC: American Psychological Association.
- Ladd, K. L., & McIntosh, D. N. (2008). Meaning, God, and prayer: Physical and metaphysical aspects of social support. *Mental Health, Religion & Culture*, 11, 23-38.
- Lawson, R., Drebing, C., Berg, G., Vincelle, A., & Penk, W. (1998). The long term impact of child abuse on religious behavior and spirituality in men. *Child Abuse and Neglect*, 22, 369–380.
- McConnell, K. M., Pargament, K. I., Ellison, C. G., & Flannelly, K. J. (2006). Examining the links between spiritual struggles and symptoms of psychopathology in a national sample. *Journal of Clinical Psychology*, 62, 1469-1484.
- McCullough, M. E., & Willoughby, B.L.B. (2009). Religion, self-regulation, and self-control: Associations, explanations, and implications. *Psychological Bulletin*, 135, 69–93.
- Nielsen, M. E. (1998). An assessment of religious conflicts and their resolutions. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37, 181–190.
- Paloutzian, R., & Park, C. L. (Eds.). (2013). *Handbook of psychology of religion and spirituality* (2nd ed.). New York: Guilford Press.
- Pargament, K. I. & Krumrei, E.J. (2009). Clinical assessment of clients' spirituality. In Jamie, D. Aten and Mark, M .Leach (Eds.). *Spirituality and the therapeutic process: A Comprehensive Resource From Intake to Termination*. (pp. 93-119). Washington, DC: American Psychological Association.
- Pargament, K. I. (2007). *Spiritually integrated psychotherapy: Understanding and addressing the sacred*. New York: Guilford Press.
- Pargament, K. I., Falb, M. D., Ano, G. G., & Wachholtz, A. B. (2013). The religious dimension of coping: Advances in theory, research, and practice. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 560–579). New York, NY: Guilford Press.
- Pargament, K. I., Koenig, H. G., Tarakeshwar, N., & Hahn, J. (2001). Religious struggle as a

- predictor of mortality among medically ill elderly patients: A two-year longitudinal study. *Archives of Internal Medicine*, 161, 1881-1885.
- Pargament, K.I., Koenig, H.G., Tarakeshwar, N., & Hahn, J. (2004). Religious coping methods as predictors of psychological, physical and spiritual outcomes among medically ill elderly patients: A two-year longitudinal study. *Journal of Health Psychology*, 9, 713-730.
- Park, C.L. (2013). Religion and Meaning. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (2nd ed.; pp. 357-379). New York: Guilford Press.
- Rose, E. D., & Exline, J. J. (2012). Personality, spirituality, and religion. In L. Miller (Ed.), *Oxford handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 85-103). New York: Oxford University Press.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *The American Psychologist*, 55, 68-78. doi:10.1037/0003-066X.55.1.68.
- Sandage, S. J., Jankowski, P. J., & Link, D. C. (2010). Quest and spiritual development moderated by spiritual transformation. *Journal of Psychology & Theology*, 38, 15-31.
- Seidman, I. (2006). *Interviewing as qualitative research: A guide for researchers in education and the social sciences*. New York & London: Teachers College Press.
- Spilka, B., Hood, R.W., Jr., Hunsberger, B., & Gorsuch, R. (2003). *The psychology of religion: An empirical approach* (3rd ed.). New York: Guilford Press.
- Szewczyk, L. S., & Weinmuller, E. B. (2006). Religious aspects of coping with stress among adolescents from families with alcohol problems. *Mental Health, Religion, & Culture*, 9, 384-400.
- Tabik, M. T., Fathi-Ashthiani, A., M. Janbozorgi., Rasoolzade Tabatabaei, S. K. (2020). *Conceptual model of religious and spiritual struggles in Iran: A qualitative study*. International Journal of Behavioral Sciences.
- Teddlie, C. & Tashakkori, A. (2009) *Foundations of mixed methods research: Integrating quantitative and qualitative approaches in the social and behavioral sciences*. Thousand Oaks, CA: Sage..
- Wilt, J. A., Grubbs, J. B., Exline, J. J., Pargament, K. I. (2016). Personality, religious and spiritual struggles, and well-being. *Psychology of religion and spirituality*, 1-11.
- Wood, B. T., Worthington, E. L., Jr., Exline, J. J., Yali, A. M., Aten, J. D., & McMinn, M. R. (2010). Development, refinement, and psychometric properties of the Attitudes toward God Scale (ATGS-9). *Psychology of Religion and Spirituality*, 2, 148-167.
- Wulff, D. (1997). *Psychology of religion: Classic and contemporary views* (2nd ed.). New York: Wiley.